

برآورد تعداد زنان گمشده براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و نقش آن در باروری و رشد جمعیت در آینده

چکیده

نادر مهری^۱

با نگاهی تکنیکی و جمعیت شناختی به شاخص نسبت جنسی می توان پرده از یک مسئله اجتماعی گسترده در جوامع در حال توسعه برداشت. این مسئله اجتماعی چیزی نیست جز تبعیض و بدرفتاری بر علیه زنان در این جوامع. مفهوم جمعیت شناختی که برای توضیح تبعیض و بدرفتاری با زنان استفاده می شود، "زنان گمشده" است.

در این مقاله با رویکرد مقطعی و با روش کول (۱۹۹۱) بر اساس سطح ۲۱ جدول الگوی مدل غرب به برآورد زنان گمشده در سرشماری سال ۱۳۸۵ در ایران پرداخته شده است. برآورد ما نشان می دهد که تعداد ۱،۰۷۶،۸۲۵ نفر زن ایرانی در سال ۱۳۸۵ گمشده اند. بعبارت دیگر اگر ایران نسبت های جنسی بدون تورش و الگوی عادی مرگ و میر را در تمام گروه های سنی خود تجربه می کرد، این تعداد زن باید به کل جمعیت ایران افزوده می شد در نتیجه جمعیت واقعی ایران در سال ۱۳۸۵ حدود ۷۱،۵۷۲،۶۰۷ نفر می گردید. در ادامه مقاله نیز تاثیر تعداد زنان گم شده در سال ۱۳۸۵ کشور بر حجم و رشد جمعیت که بدلیل از دست رفتن قدرت زاینده گی این زنان برای تمام نسل های پس از خود صورت می پذیرد، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بخش نشان می دهد که در مجموع تنها کمتر از حدود ۱۸ درصد زنان گمشده در سنین باروری قرار دارند و بیش از ۸۲ درصد این زنان گمشده، از سنین باروری گذار کرده و امکان فرزندآوری آنان از میان رفته است. گذشته از این حتی اگر فرض کنیم که توزیع فرزندآوری در میان این ۱۸ درصد (۲۳۷،۴۳۶ نفر) زن گمشده یکسان باشد باز هم حجم این تعداد زنان آنقدر کم است که حتی برای چند نسل بعد هم کاهش باروری این زنان بدلیل گمشدگی شان از جمعیت، چندان به لحاظ جمعیت شناختی با اهمیت نخواهد بود.

واژگان کلیدی: نسبت جنسی، زنان گمشده، سرشماری ۱۳۸۵، ایران، باروری، رشد جمعیت.

طرح مسأله

نسبت جنسی^۱ از مفاهیم ساده و در عین حال مهم در ادبیات جمعیت شناسی می باشد. ساده بودن این شاخص به نحوه ی محاسبه آن بازمی گردد؛ این شاخص از تقسیم تعداد مردان بر زنان یک جمعیت به دست می آید. در عین این سادگی، با نگاهی تکنیکی و جمعیت شناختی به این شاخص می توان پرده از یک مسئله اجتماعی گسترده در جوامع در حال توسعه برداشت. این مسئله اجتماعی چیزی نیست جز تبعیض و بدرفتاری بر علیه زنان در این جوامع. مفهوم جمعیت شناختی که برای توضیح تبعیض و بدرفتاری با زنان استفاده می شود، "زنان گمشده"^۲ است.

مفهوم زنان گمشده، اولین بار توسط آمارتیا سن^۳ به کار رفت (اندرسون و ری ۲۰۰۸^۴). او متوجه شد که در بخش هایی از جهان در حال توسعه- به خصوص در چین و هند- نسبت زنان به طرز مشکوکی کمتر است. شک آمارتیا سن به یک منطق جاافتاده در ادبیات جمعیت شناختی باز می گردد که این منطق به مرگ و میر زنان نسبت به مردان مربوط می شود؛ بدین ترتیب که تعداد موالید پسر نسبت به دختر در بدو تولد همواره بیشتر است و این عدم تعادل اولیه رفته رفته و با افزایش امید زندگی تعدیل شده و با افزایش سن به نفع زنان تغییر می کند. آمارتیا سن علت عمده این امر را به امتیاز بیولوژیک زنان نسبت می دهد.

در برخی از جوامع در حال توسعه، این روند طبیعی و مورد انتظار پدید نیامده و وضعیتی مغایر با این روند ظاهر می شود. در واقع آنچه توجه آمارتیا سن را بر خود جلب نموده بود، روند غیرمنتظره در تعداد پسران و دختران جوامع در حال توسعه مانند چین و هند بود. ظاهر شدن این روند غیرمنتظره ناشی از تبعیض و نابرابری جنسیتی علیه زنان در این جوامع می باشد. کول^۵ (۱۹۹۱) معتقد است، رفتارهای تبعیض آمیز علیه زنان که در برخی سنت ها رایج است، منجر به تحلیل رفتن امتیاز بیولوژیک زنان در خصوص مرگ و میر کمتر نسبت به مردان می گردد. سؤالی که این مقاله قصد دارد بدان پاسخ دهد به وضعیت مرگ و میر زنان و مردان در ایران مربوط می شود. آیا سنت هایی که کول به آنها اشاره می کند در ایران هم به رفتارهای تبعیض آمیز علیه زنان منجر شده است؟ پاسخ به این سؤال، ما را به بحث زنان گمشده در ایران سوق می دهد. برای این منظور با یک رویکرد مقطعی^۶ به برآورد تعداد زنان گمشده در سرشماری سال ۱۳۸۵ خواهیم پرداخت.

-
- 1-Sex ratio
 - 2-Missing female
 - 3-Amartya sen
 - 4-Anderson, S. & Ray, D.
 - 5-coal,A.J
 - 6- Period Approach

در ادامه مقاله همچنین نقش زنان گمشده در باروری و به تبع آن رشد و حجم جمعیت در آینده را بررسی خواهیم کرد.

مفهوم زنان گمشده در مطالعات جمعیتی

ادبیات مربوط به زنان گمشده در یک جمعیت ارتباط تنگاتنگی با مفهوم نسبت جنسی دارد به طوری که حجم قابل توجهی از متونی که به زنان گمشده می پردازند، در واقع به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نسبت جنسی اشاره دارند. نسبت جنسی در مناطق مختلف دنیا، مقادیر متفاوتی دارد. به عبارت دیگر این نسبت به طور قابل ملاحظه ای بین کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت است؛ مثلاً در اروپا و آمریکا این نسبت ۹۵ تا ۹۷ مرد به ازاء هر ۱۰۰ زن می باشد. در اتحاد جماهیر شوروی ۸۸ مرد برای هر ۱۰۰ زن، در آفریقا ۹۹ مرد به ازاء ۱۰۰ زن و در آسیا ۱۰۵ مرد به ازاء ۱۰۰ زن وجود دارد. نسبت جنسی نه تنها در میان قاره ها بلکه در میان کشورها و حتی استان ها و ایالت های یک کشور نیز واریانس قابل ملاحظه ای دارد. مثلاً در آسیا، در حالیکه این نسبت در چین و در سال ۲۰۰۰ به ۱۱۷/۸ می رسید، در همین سال این نسبت در ژاپن ۹۵ تا ۹۷ بود.

کول (۱۹۹۱) تفاوت هایی که در نسبت های جنسی در جمعیت ها وجود دارد را مبتنی بر ۳ عامل می داند: تفاوت در نسبت جنسی بدو تولد، تفاوت های ناشی از مهاجرت و تفاوت های ناشی از مرگ و میر. او معتقد است که تفاوت در نسبت جنسی بدو تولد بعید است که منبع تفاوت جدی در نسبت های مردانگی^۱ (نسبت های شدید جنسی به نفع مردان) باشد، چرا که نسبت جنسی در بدو تولد دامنه^۲ مشخصی دارد. بطوریکه بین سال های ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۰ در ۲۴ کشور اروپایی نسبت مردان به زنان دامنه ای در حدود ۱/۰۵۰ تا ۱/۰۶۴ داشته است و میانه این نسبت ۱/۰۵۹ بوده و ۷۱ درصد نسبت ها نیز بین ۱/۰۵۵ و ۱/۰۶۴ قرار داشته اند. در مجموع کول با بررسی این نسبت های جنسی نتیجه می گیرد، واریانسی که نسبت جنسی بدو تولد ممکن است در نسبت های جنسی کل ایجاد کند، ۱ تا ۲ درصد است. نسبت جنسی تحت تأثیر مهاجرت نیز قرار دارد، هر چند که کول آن را مدنظر قرار نداده و روی عامل سوم یعنی تأثیر مرگ و میر بر نسبت های جنسی تأکید می کند. او معتقد است در جوامعی که شرایط بهداشتی و تغذیه ای مشابه ای برای دو جنس فراهم می کنند، نرخ مرگ و میر مردان در هر سنی از صفر سالگی تا بالاترین سن همواره بالاتر از نرخ مرگ و میر زنان است.

1-Masculinity

2-Range

نسبت های جنسی غیر متعارف: نسبت های جنسی غیر متعارف علاوه بر آنکه از رفتارهای تبعیض آمیز علیه زنان به وجود می آیند، از عوامل دیگری نیز تاثیر می پذیرند. از جمله ی این عوامل می توان به جنگ ها و انقلاب ها اشاره کرد. در بحث از زنان گمشده، این عوامل که نسبت های جنسی غیرمتعارف را به وجود می آورند به عنوان استثنائات در نظر گرفته و کنار گذاشته می شوند. برای مثال نسبت جنسی در شوروی ۸۸ است؛ در حالیکه در پاکستان همین نسبت به ۱۰۵/۱ می رسد. علت پایین بودن نسبت جنسی در شوروی به جنگ و انقلاب ها در گذشته مربوط می شود. در شوروی در سرشماری ۱۸۹۷، نسبت مردان به زنان ۱/۰۰۱ بود که به دنبال جنگ جهانی اول، انقلاب روسیه و جنگ داخلی به ۰/۹۳۵ سقوط کرد. بعد از جنگ جهانی دوم، این نسبت حتی به ۰/۷۳۳ نیز رسید. نتیجه آنکه جنگ و انقلاب ها باعث به وجود آمدن ترکیب جنسی خاصی می گردد. در بحث از زنان گمشده به این وضعیت های خاص توجهی نمی شود و بر رفتار تبعیض آمیز علیه زنان تاکید می شود که باعث می گردد نرخ های طبیعی پایین مرگ و میر زنان نسبت به مردان برعکس عمل کند.

روش شناسی زنان گمشده

بر آورد تعداد زنان گمشده در یک جمعیت منطبق ساده ای دارد. تعداد زنان گمشده از طریق مقایسه "نسبت جنسی مورد انتظار و واقعی" به دست می آید. لی و دیگران^۱ (۲۰۰۵) روش های محاسبه ی زنان گمشده را در دو خانواده کلی تقسیم بندی می کنند: ۱) روش های مبتنی بر استفاده از نسبت جنسی کل جمعیت^۲ و ۲) روش مطالعه نسلی زنان گمشده^۳. در ادامه این مقاله به بررسی و توضیح روش اول پرداخته شده و روش مورد بررسی مقاله نیز مورد بحث واقع می شود.

روش های مبتنی بر استفاده از نسبت جنسی کل: در این روش ها، ابتدا نسبت جنسی مورد انتظار محاسبه می شود که برای محاسبه ی آن از یک نسبت جنسی به عنوان معیار^۴ استفاده می شود. سپس براساس این نسبت جنسی معیار و تعداد مردان در جمعیت مورد مطالعه، تفاوت تعداد زنان مورد انتظار و زنان شمارش شده، بر آوردی از زنان گمشده در جمعیت مورد مطالعه به دست می دهد. روش های این خانواده، خود به دو دسته ی دیگر تقسیم می شوند. این تقسیم بندی بر این اساس که محقق نسبت جنسی معیار را به چه نحوی انتخاب می کند، صورت می پذیرد. از جمله این روش ها

1- Li, sh., Jiang, Q., Feldman, M.W. & Jin, X.

2- Use the sex ratio of the total population.

3- Study the missing females by cohort.

4- Benchmark

می توان به روش آماریاسن و روش کول اشاره نمود که در بخش بعدی این دو روش به طور خلاصه مرور خواهند شد.

روش آماریاسن و روش کول: در روش سن، معیار انتخاب نسبت جنسی مورد انتظار جمعیت هایی هستند که از تورش های ناشی از رفتارهای تبعیض آمیز علیه زنان به دور مانده اند. آماریاسن در مقالاتی که در ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به چاپ رساند، با استفاده از این روش تعداد ۱۰۰ میلیون زن گمشده را برای مناطق جنوب آسیا، چین، آسیای غربی و بخش هایی از آفریقای شمالی برآورد نمود. او نسبت های جنسی مناطق مذکور را با نسبت های جنسی اروپا، آمریکای شمالی و ژاپن به عنوان معیار مقایسه می کند. روش شناسی آماریاسن با انتقادات زیادی مواجه شده است (کلاسن و وینک ۲۰۰۲). کول (۱۹۹۱) در انتقادی کوبنده معیار آماریاسن در برآورد نسبت جنسی مورد انتظار را استاندارد نامناسبی می داند. او معتقد است که ساختار سنی مناطقی که سن از آنها به عنوان معیار استفاده کرده است، در گذشته باروری پایینی تجربه نموده و همچنین تحت تأثیر جنگ، در این مناطق مردان بیشتری کشته شده اند.

روش شناسی کول با آماریاسن در برآورد تعداد زنان گمشده تفاوت دارد. تفاوت این دو روش در نحوه ی انتخاب معیار برای محاسبه نسبت جنسی مورد انتظار است. کول (۱۹۹۱) برخلاف آماریاسن، معیار خود را اروپا قرار نمی دهد و از جداول الگو برای این منظور استفاده می کند. او برآورد سن از زنان گمشده در مناطق جنوب آسیا، چین، آسیای غربی و بخش هایی از آفریقای شمالی را با معیار قرار دادن جداول الگو مجدداً محاسبه می کند. برآورد او با برآورد آماریاسن تفاوت فاحشی دارد. در حالیکه سن تعداد زنان گمشده را ۱۰۰ میلیون برآورد می کند، کول آن را ۶۰ میلیون تخمین می زند. کول معتقد است برآورد او دقیق تر بوده و محاسبات سن دارای تورش است.

روش برآورد تعداد زنان گمشده برای سرشماری سال ۱۳۸۵ ایران

در این مقاله برای برآورد تعداد زنان گمشده از روش کول (۱۹۹۱) استفاده شده است. بدین ترتیب که نسبت جنسی جمعیت واقعی ایران را در سال ۱۳۸۵ و به تفکیک گروه های سنی با نسبت جنسی مورد انتظار مقایسه خواهیم کرد. نسبت جنسی مورد انتظار را از جداول الگوی مدل غرب کول-دمنی (۱۹۸۳) استخراج می کنیم. استفاده از این جداول با اهداف مقاله ما بسیار همخوانی دارد زیرا "جداول عمر مدل غرب کول-ودمنی منبع قابل قبولی برای شناخت مرگ و میر عادی براساس

جنسیت است. جداول مدل غرب اساسا بر مبنای مرگ و میر جمعیت های اروپای غربی و با تورش ناچیز جنسیتی ساخته شده اند" (کای و لاولی^۱ ۲۰۰۳: ۱۷-۱۶). بعد از انتخاب مدل مورد نظر از جداول عمر کول-دمنی نوبت به انتخاب سطح مقتضی می رسد. با توجه به امید زندگی ۷۲ سال برای زنان ایرانی در سال ۱۳۸۵، سطح ۲۱ این جداول با وضعیت ایران در سال ۱۳۸۵ بسیار نزدیک است.

شاخص مهم دیگری که برای برآورد زنان گمشده مورد نیاز است، نسبت جنسی نرمال در بدو تولد است. کول (۱۹۹۱) این نسبت را در ۱۰۵/۹ در نظر می گیرد. نسبتی که کای و لاولی (۲۰۰۳) در نظر می گیرند، بسیار بر کار کول نزدیک است. آنان ۱۰۶ را به عنوان نسبت جنسی بدو تولد در نظر می گیرند؛ نسبت هایی که سایر محققان برای بدو تولد در نظر می گیرند، به عدد ۱۰۶ نزدیک است. در این مقاله نسبت جنسی بدو تولد و نرمال را ۱۰۶ در نظر خواهیم گرفت. در نهایت با فرمول ذیل می توان تعداد زنان گمشده را برای ایران محاسبه نمود.

$$G_x^{mis\ sin\ g} = \frac{P_x^{male}}{SR_x^{model}} - P_x^{female}$$

در این فرمول؛ $G_x^{mis\ sin\ g}$ تعداد زنان گمشده در سن x ، P_x^{male} تعداد مردان شمارش شده در سن x ، SR_x^{model} نسبت جنسی در سن x است که از جدول عمر مدل غرب در سطح ۲۱ به دست می آید و P_x^{female} نیز تعداد زنان شمارش شده در سن x می باشد (کای و لاولی ۲۰۰۳: ۲۸).

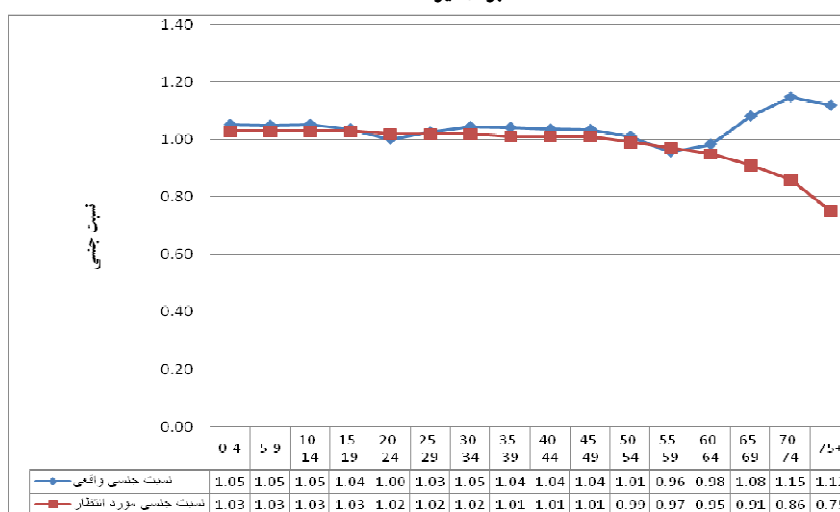
مقایسه نسبت های جنسی واقعی و مورد انتظار برای ایران در ۱۳۸۵

مقایسه نسبت جنسی مورد انتظار و واقعی در محاسبه تعداد زنان گمشده نقش محوری دارد و اصولا با این مقایسه است که امکان برآورد تعداد زنان گمشده فراهم می شود. در نمودار شماره ۱ نسبت های جنسی واقعی و مورد انتظار بر اساس گروه های سنی ۵ ساله در سال ۱۳۸۵ ارایه شده است. همانطور که در جدول زیر نمودار نیز مشاهده می شود الگوی نسبت های جنسی واقعی در سرشماری ۱۳۸۵ با الگوی جداول الگو تفاوت دارد. روند کلی نشان می دهد که در تمامی گروه های سنی به جز گروه های سنی ۲۰-۲۴ و ۶۰-۶۴ ساله نسبت ها مردانه هستند. زنانه شدن نسبت جنسی در گروه سنی ۲۰-۲۴ به خطای کم شماری مردان (نجاتیان ۱۳۷۷ به نقل از درودی

۱۳۸۶:۱۳۹۰) در این گروه سنی باز می‌گردد. تعداد مردان در این گروه سنی عموماً به دلیل سربازی در سرشماری‌های ایران کمتر گزارش می‌شوند. گروه سنی ۵۵-۵۹ ساله نیز برخلاف روند مورد انتظار زنانه است. زنانه بودن این نسبت در این گروه سنی نیز به دلیل کم شماری مردان رخ داده است.

نمودار ۱: مقایسه نسبت‌های جنسی واقعی و مورد انتظار (بر اساس جداول عمر مدل غرب سطح ۲۱)

برای ایران ۱۳۸۵



روند محسوس دیگری نیز در نسبت‌های جنسی واقعی و مورد انتظار ایران در سال ۱۳۸۵ به چشم می‌خورد. در حالیکه تا گروه سنی ۶۰-۶۴ نسبت‌های جنسی واقعی و مورد انتظار به یکدیگر نزدیک می‌باشند؛ از گروه سنی ۶۵-۶۹ سالگی به بعد این دو نسبت تفاوت قابل ملاحظه‌ای می‌یابند. درودی (۱۳۸۶) فاصله یافتن نسبت‌های جنسی مورد انتظار و واقعی را در این سنین به تجربه متفاوت رفتاری و فرهنگی کوهورت این گروه سنی نسبت می‌دهد. گروه سنی ۶۵-۶۹ ساله در واقع به کوهورت متولدین ۱۳۲۰ باز می‌گردد. به نظر می‌رسد سال ۱۳۲۰ نقطه عطفی در تاریخ ایران باشد؛ چرا که کوهورت متولدین پیش از سال ۱۳۲۰ و پس از آن روند مرگ و میر متفاوتی را منعکس می‌کنند.

برآورد تعداد زنان گمشده برای ایران در سال ۱۳۸۵ به روش کول (۱۹۹۱) براساس جداول الگوی مدل غرب با مشخص شدن نسبت های جنسی واقعی و مورد انتظار در یک قدمی محاسبه زنان گمشده قرار داریم. تعداد زنان گمشده در ستون ۶ در جدول ۱ ارایه شده است. مقادیر این ستون با استفاده از فرمول (۱) و محاسبه نسبت جنسی مورد انتظار (بر اساس جدول الگوی مدل غرب در سطح ۲۱) و نسبت جنسی واقعی (بر اساس داده های سرشماری) بدست آمده است. برآورد نشان می دهد که تعداد ۱،۰۷۶،۸۲۵ نفر زن ایرانی در سال ۱۳۸۵ گمشده اند. بعبارت دیگر اگر ایران نسبت های جنسی بدون تورش و الگوی عادی مرگ و میر را در تمام گروه های سنی خود تجربه می کرد، این تعداد زن باید به کل جمعیت ایران افزوده می شد در نتیجه جمعیت واقعی ایران در سال ۱۳۸۵ حدود ۷۱،۵۷۲،۶۰۷ نفر می گردید (جدول ۱، ستون ۶).

جدول ۱: برآورد زنان گمشده ایران براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و براساس جداول عمر مدل غرب سطح ۲۱

گروه سنی	شمارش شده		مورد انتظار		زنان گمشده	
	مردان (۱)	زنان (۲)	نسبت جنسی (۳)	نسبت جنسی (۴)	تعداد (۵)	تعداد (۶)
۴-۰	۲۸۰۱۵۶۸	۲۶۶۲۴۱۰	۱،۰۵۲	۱،۰۳	۲۷۱۸۲۳۱،۸	۵۵۸۲۱،۸
۵-۹	۲۸۲۰۵۲۴	۲۶۸۸۵۳۳	۱،۰۴۹	۱،۰۳	۲۷۴۵۳۱۰	۵۶۷۷۷،۰
۱۰-۱۴	۳۴۴۱۲۴۵	۳۲۶۷۳۴۹	۱،۰۵۳	۱،۰۳	۳۳۴۹۱۰۰،۴	۸۱۷۵۱،۴
۱۵-۱۹	۴۴۴۲۹۰۱	۴۲۸۳۸۶۰	۱،۰۲۷	۱،۰۳	۴۳۳۳۸۱۱،۹	۴۹۹۵۱،۹
۲۰-۲۴	۴۵۱۱۸۵۱	۴۴۹۹۵۷۱	۱،۰۰۲	۱،۰۲	۴۴۱۸۷۶۶،۷	۸۰۸۰۴،۳
۲۵-۲۹	۳۶۶۰۱۶۷	۳۵۶۴۷۸۵	۱،۰۲۶	۱،۰۲	۳۵۹۲۳۷۵،۷	۲۷۶۹۰،۷
۳۰-۳۴	۲۸۳۷۹۶۹	۲۷۱۵۵۶۲	۱،۰۴۵	۱،۰۲	۲۷۹۳۰۵۱،۵	۷۷۴۸۹،۵
۳۵-۳۹	۲۵۱۱۵۴۵	۲۴۰۹۵۷۹	۱،۰۴۲	۱،۰۱	۲۴۷۶۰۶۰،۱	۶۶۴۸۱،۱
۴۰-۴۴	۲۰۸۱۶۷۹	۲۰۰۷۴۷۹	۱،۰۳۶	۱،۰۱	۲۰۵۶۵۹۸،۵	۴۹۱۱۹،۵
۴۵-۴۹	۱۷۹۲۴۸۱	۱۷۳۰۲۸۰	۱،۰۳۵	۱،۰۱	۱۷۸۲۳۳۸،۳	۵۱۹۵۸،۳
۵۰-۵۴	۱۳۸۶۰۶۳	۱۳۶۹۳۵۷	۱،۰۱۲	۰،۹۹	۱۳۹۴۹۴۸	۲۵۵۹۱،۰
۵۵-۵۹	۹۲۳۵۳۶	۹۶۴۴۴۵	۰،۹۵۷	۰،۹۷	۹۴۸۴۳۵،۲۵	۱۶۰۰۹،۷
۶۰-۶۴	۷۲۶۴۴۹	۷۳۸۰۰۳	۰،۹۸۴	۰،۹۵	۷۶۸۶۸۴،۴۱	۳۰۶۸۱،۴
۶۵-۶۹	۶۲۲۴۷۰	۵۷۵۰۸۰	۱،۰۸۲	۰،۹۱	۶۸۵۸۴۸،۷۶	۱۱۰۷۶۸،۸
۷۰-۷۴	۵۹۸۲۳۱	۵۲۱۰۸۷	۱،۱۴۸	۰،۸۶	۶۹۵۹۶۱،۸۱	۱۷۴۸۷۴،۸
+۷۵	۷۰۷۶۸۳	۶۳۲۰۴۰	۱،۱۱۹	۰،۷۵	۹۴۶۷۲۲،۵۹	۳۱۴۶۸۲،۶
جمع	۳۵۸۶۳۶۲	۳۴۶۲۹۴۲۰	-----	-----	۳۵۷۰۶۲۴۶	۱۰۷۶۸۲۵،۷

*ستون (۱) تقسیم بر ستون (۲)

*استخراج شده از جداول الگوی کول-دمنی (مدل غرب-سطح ۲۱)

ستون (۱) تقسیم بر ستون (۴) *ستون (۵) منهای ستون (۲)

ارزیابی نتایج برآورد زنان گمشده بر اساس شاخص ارقام ترکیبی^۱

برآورد و روش شناسی مورد استفاده در این مقاله می تواند تحت تاثیر کم شماری زنان دارای خطا باشد. در واقع مسئله اینست که چه تعداد از زنان گمشده ای که در مقاله حاضر برآورد گردید ناشی از نسبت های جنسی تورش دار و تجربه الگوی غیرعادی مرگ و میرزنان در سال ۱۳۸۵ در ایران است و چه تعداد از آنان بدلیل کم شماری زنان در این سرشماری می باشد. در واقع باید به این سوال پاسخ داد که آیا کم شماری زنان در سرشماری سال ۱۳۸۵ می تواند به برآورد ما از تعداد زنان گمشده در این مقاله آسیب برساند؟ برای پاسخ به این سوال می توان از شاخص ارقام تلفیقی استفاده نمود. این شاخص مبتنی بر این فرض است که نسبت جنسی و شمار افراد از هر گروه سنی به گروه سنی بعدی می بایست با نظم و مطابق الگویی مشخص تغییر یابد. مزیت این شاخص آنست که علاوه بر تمایل به گرد کردن سن به عوامل دیگری چون کم شماری، از قلم افتادگی اشخاص در گروه های مختلف سنی به هنگام سرشماری و نیز تمایل به اظهار غلط سن توجه دارد. هرچه رقم به دست آمده برای این شاخص کوچکتر باشد نشانگر میزان دقت بیشتر در گزارش سن و جنس است و برعکس هر چه بزرگتر باشد، بیانگر اشکالات بیشتر در سرشماری بویژه از نظر گزارش سن است. به دست آمدن رقم کمتر از ۲۰ برای شاخص ارقام ترکیبی نشانه دقت در حد خوب، در گزارش سن و جنس است (میرزایی ۱۳۸۴: ۵۱-۵۰). طبق محاسبات درودی (۱۳۸۶) شاخص ارقام ترکیبی برای سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود عدد ۲۰ بدست آمده است که می توان نتیجه گرفت که نسبت دادن ۱,۰۷۶,۸۲۵ زن گمشده به خطاهای گزارش سن و جنس چندان صحیح نیست، علی رغم این باید توجه داشت که همچنان بخشی از برآورد ما از تعداد زنان گمشده ایران در سال ۱۳۸۵ می تواند ناشی از کم شماری زنان باشد و استدلالات فوق نمی تواند برآورد ما را بطور کامل از کم شماری احتمالی در سرشماری ۱۳۸۵ مبرا گرداند.

نقش تعداد زنان گمشده در روندهای باروری و رشد جمعیت ایران در آینده

پدیده زنان گمشده پیامدهای جمعیتی، اجتماعی و حتی سیاسی بدنبال دارد، از جمله این پیامدها کای ولاولی (۲۰۰۳) به برهم خوردن بازار ازدواج^۱ اشاره می کنند. پیامد دیگر آن تاثیر بر حجم و رشد جمعیت آینده از طریق کاهش باروری است. در این مقاله صرفا به پیامد دوم پرداخته می شود.

۱،۰۷۶،۸۲۵ زن گمشده حدود ۱/۵ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند. اثر مستقیم ۱،۰۷۶،۸۲۵ زن گمشده نسبت به حجم جمعیت ایران، رقم کوچکی است اما تاثیر مهم تر و بزرگتری که زنان گمشده بر رشد جمعیت میگذارد مربوط به آینده است. کای و ولاولی (۲۰۰۳) در این خصوص می نویسند:

"اگر چه اثر فوری [زنان گمشده] بر رشد جمعیت کوچک است، اما اثرات بلند مدت آن قابل توجه می باشد. هرچه تعداد زنان در سنین زایش کمتر باشد، زایندهگی زنان را در تمام سطوح سنی کاهش می دهد و حتی اگر هیچ زنی از این پس گم نگردد، اثرات آن بر رشد جمعیت باقی خواهد ماند" (ص ۲۲).

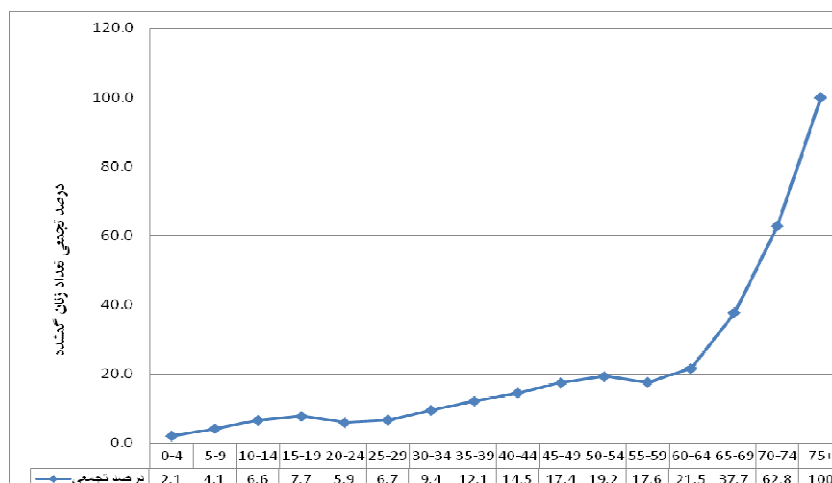
دلیل این امر آنست که این زنان برای تمام نسل های بعد از خود قدرت زایندهگی^۲ شان را از دست می دهند. از دست رفتن یک زن علاوه بر اینکه منجر به از دست رفتن قدرت زایش او می شود، توانایی زاد و ولد را از دختر او و دختر دختر او و ... را نیز می گیرد.

نمودار شماره (۲) برای بررسی تاثیر تعداد زنان گمشده بر باروری و به تبع آن رشد جمعیت ایران تدارک دیده شده است. همانطور که در این نمودار نیز مشاهده می شود در مجموع تنها کمتر از ۱۸ درصد زنان گمشده در سنین باروری قرار دارند و بیش از ۸۲ درصد این زنان گمشده از سنین باروری گذار کرده و امکان فرزند آوری آنان از میان رفته است. در واقع تنها حدود ۱۸ درصد از زنان گمشده در بازه سنی کمتر از ۵۰ سال قرار داشته و بیش از ۸۲ درصد از آنان مربوط به زنانی اند که قدرت زایندهگی خود را از دست داده و از سن ۵۰ سالگی گذار کرده اند. تعداد زنان گمشده ای که همچنان قدرت زایش خود را حفظ کرده اند شامل ۴۳۶،۲۳۷ زن می شود که در گروههای سنی مختلفی توزیع شده و طبعا دارای توزیع بچه آوری متفاوتی هستند. حتی اگر فرض کنیم که توزیع فرزند آوری در میان این ۱۸ درصد (۴۳۶،۲۳۷ نفر) زن گمشده یکسان باشد باز هم

1-Marriage Market
2-Reproductive Power

حجم این تعداد زن آنقدر کم است که حتی برای چند نسل بعد هم کاهش باروری این زنان بدلیل گمشدگی شان از جمعیت، چندان به لحاظ جمعیت شناختی با اهمیت^۱ نخواهد بود.

نمودار شماره ۲: درصد تجمعی زنان گمشده در سرشماری ۱۳۸۵ ایران



خلاصه و نتیجه گیری

زنان گمشده مفهومی است که با استفاده از آن می توان با نگاهی جمعیت شناختی تبعیض و بدرفتاری علیه زنان را مورد مطالعه قرار داد. در سطح نظری، مینا و منطق زنان گمشده با مفهوم «مرگ و میر عادی بر اساس جنسیت» ارتباط تنگاتنگی دارد. مرگ و میر عادی بر اساس جنسیت موضوعی بسیار مباحثه بر انگیز است که حجم قابل توجه ای از مطالعات جمعیتی را به خود اختصاص داده است. مردان و زنان به لحاظ بیولوژیک برابر نیستند و بطور یکسانی تحت تاثیر نیروی مرگ قرار نمی گیرند. به دلایل ژنتیکی و بیولوژیکی زنان نسبت به مردان درمقابل بیماری مقاوم ترند و این امتیاز زنان با افزایش امید زندگی آنان بیشتر می شود. مرگ و میر عادی دریک جمعیت باید این تفاوت های بیولوژیکی میان مردان و زنان را منعکس کند و قادر باشد اثرات محیطی روی مرگ و میر دو جنس که بدلائل خاص فرهنگی رخ می دهند را نیز کنارگذارد. به لحاظ نظری مفهوم زنان گمشده بر این اساس ساخته و پرداخته شده است.

در سطح عملی نیز مفهوم زنان گمشده با نسبت جنسی ارتباط تنگاتنگی پیدا می کند؛ بدین ترتیب که برای برآورد تعداد زنان گمشده به مقایسه نسبت جنسی مورد انتظار و واقعی پرداخته می شود.

نسبت جنسی واقعی عمدتاً از داده های سرشماری استخراج و نسبت جنسی مورد انتظار نیز می تواند از داده های جمعیتی که الگوی مرگ و میر عادی بر مبنای جنسیت را تجربه کرده است استخراج گردد. در این خصوص می توان از جداول عمر مدل غرب که اساساً بر مبنای مرگ و میر جمعیت های اروپای غربی و با تورش جنسیتی ناچیز ساخته شده اند نیز استفاده نمود.

در این مقاله از جداول الگوی مدل غرب به عنوان معیار استفاده و تعداد زنان گمشده در سال ۱۳۸۵ برآورد شده است. بر اساس امید زندگی ۷۲ سال برای زنان ایرانی در این سال، سطح ۲۱ از جداول مذکور انتخاب و با نسبت جنسی واقعی که از داده های سرشماری ۱۳۸۵ استخراج شده مقایسه شده است. نتایج نشان می دهد که تعداد ۱،۰۷۶،۸۲۵ نفر زن ایرانی در سال ۱۳۸۵ گمشده اند. بعبارت دیگر اگر ایران نسبت های جنسی بدون تورش و الگوی عادی مرگ و میر را در تمام گروه های سنی خود تجربه می کرد، این تعداد زن باید به کل جمعیت ایران افزوده می شد در نتیجه جمعیت واقعی ایران در سال ۱۳۸۵ حدود ۷۱،۵۷۲،۶۰۷ نفر می گردید.

پدیده زنان گمشده پیامدهای جمعیتی، اجتماعی و حتی سیاسی بدنال دارد. از جمله پیامدهای این پدیده تاثیر بر حجم و رشد جمعیت آینده از طریق کاهش باروری است؛ چرا که این زنان برای تمام نسل های بعد از خود، قدرت زاینده گی شان را از دست می دهند. بر این اساس نقش تعداد زنان گمشده در سال ۱۳۸۵ کشور بر حجم و رشد جمعیت که بدلیل از دست رفتن قدرت زاینده گی این زنان برای تمام نسل های پس از خود صورت می پذیرد، نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این بخش نشان می دهد که در مجموع تنها کمتر از ۱۸ درصد زنان گمشده در سنین باروری قرار دارند و بیش از ۸۲ درصد این زنان گمشده از سنین باروری گذار کرده و امکان فرزندآوری آنان از میان رفته است. گذشته از این حتی اگر فرض کنیم که توزیع فرزند آوری در میان این ۱۸ درصد (۴۳۶،۲۳۷ نفر) زن گمشده یکسان باشد باز هم حجم این تعداد زنان آنقدر کم است که حتی برای چند نسل بعد هم کاهش باروری این زنان بدلیل گمشدگی شان از جمعیت چندان به لحاظ جمعیت شناختی با اهمیت نخواهد بود.

هرچند برآورد مقاله حاضر نشان می دهد که در سال ۱۳۸۵، ۱،۰۷۶،۸۲۵ زن ایرانی از جمعیت گمشده اند، اما باید توجه داشت که مفهوم زنان گمشده بیشتر با وضعیت زنان در کشورهای نظیر تایوان، سنگاپور، کره جنوبی و بخش هایی از شمال هند و بخصوص با چین مطابقت دارد تا وضعیت ایران. در چین وضعیت گمشدگی زنان سبب مضیقه ازدواج برای مردان و افزایش تعداد کارگران جنسی تجاری^۱ گردیده و احتمال شیوع بیماریهای مقاربتی را افزایش داده است. هسکت

و همکارانش (۲۰۰۹) معتقدند پیامدهای ناگوار زنان گمشده در چین این ترس را بوجود آورده است که این پیامدها بتواند تبدیل به خطر واقعی برای ثبات چین در آینده گردد. وضعیت چین در خصوص تعداد زنان گمشده به حدی است که آن را می توان مهد و سرزمین زنان گمشده نامید که علت اصلی آن نیز فرهنگ سنتی ترجیح فرزند پسر از یک سو و اعمال سیاست های سرسختانه کنترل موالید از سوی دیگر می باشد. علل مذکور در ایران غلبه چندانی ندارد و این امر سبب شده است که هم تعداد زنان گمشده در ایران بسیار کمتر از چین باشد وهم الگوی سنی زنان گمشده در ایران با چین بسیار متفاوت گردد. در ایران ۸۲ درصد از زنان گمشده مربوط به سنین بالای ۵۰ سال می باشند، درحالیکه در چین بخش اصلی زنان گمشده به دخترانی مربوط می شود که پیش از تولد سقط می شوند؛ بطوریکه برآورد کای ولاولی (۲۰۰۳) نشان می دهد در سال ۲۰۰۰، ۱۲٫۸ میلیون دختر زیر ۲۰ سال چینی از جمعیت حذف شده اند. در مجموع می توان گفت عدد ۱،۰۷۶،۸۲۵ هرچند یک برآورد است اما به قول کول (۱۹۹۱) وسعت یک مساله اجتماعی را که نیازمند توجه جدی است را نشان می دهد.

منابع

- درودی آهی، ناهید(۱۳۸۶) مقایسه الگوی سنی نسبت های جنسی گزارش شده در ایران با الگوهای مورد انتظار از جداول عمر و الگوهای مشابه آن در جهان، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال دوم، شماره ۴.
- میرزایی، محمد(۱۳۸۴) گفتاری در باب جمعیت شناسی کاربردی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- Anderson, S. & Ray, D.(2008) Missing Women: Age and Disease. Supported By the National Science Foundation Under Grant Number 0617827.
- Cai, Y. & Lavelly, W.(2003)China's Missing Girls: Numerical Estimates and Effects on Population Growth. The China Review, vol. 3, No.2.
- Coal, A. & Demeny, P & Vaughan, B.(1983)Regional Model Life Tables and Stable Population. Princeton: Princeton University Press.
- Coal, A.J.(1991) Excess Female Mortality and the Balance of the Sexes in the Population: An Estimate of the Number of Missing Females. Population and Development Review 17, No.3.
- Klasen, S. & Wink, C.(2002)A Turning point in Gender Bias in Mortality? An Update on the Number of Missing Women. Population and Development Review 28(2).
- Li , sh. , Jiang, Q. , Feldman, M.W. & Jin, X.(2005) Estimation of the Number of Missing Females in China: 1900-2000. Morrison Institute for Population and Resource Studies. Stanford University.
- Hesketh, T. & Lu, L. and Xing, Z.W.(2009) The Effect of Chinas One-Child Family Policy after 25 Years. The New England journal of Medicine, 353; 11.